



شناسنامه نشریه عمار؛

شماره مجوز: ۹۷۳۶۷۸

مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز: مهلا غلامپور

طراح و صفحه آرا: مهدی شاهسون

فصلنامه مستقل فرهنگی خبری، اجتماعی، سیاسی، هنری

سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۷. دانشگاه فردوسی مشهد



## سه تصمیم خوب، شاید هم بد

با توجه به فشارهای شدید اجتماعی و اقتصادی، انتخاب شغل مسئله‌ای دشوار است. برآوردهای آماری نشان می‌دهد که در بعضی از کشورهای صنعتی، افراد با ۲۲۰۰۰ شغل مختلف مواجهند، که طبیعتاً، انتخاب از میان آن‌ها امری دشوار خواهد بود.

افراد جوان غالباً در انتخاب و برنامه‌ریزی شغلی، کارآیی کافی ندارند. در درجه اول، تصور آن‌ها این است که باید شغل خود را از بین مشاغل محدودی انتخاب کنند. چون مشاغل دوردست و ناآشنا، می‌تواند همراه با خطر و شکست باشد. ترس از شکست، انتخاب‌ها را محدود می‌کند. دوم اینکه اکثر جوانان صرفاً به دنبال مشاغل حرفه‌ای هستند، در حالی که مطابق آمارهای منتشر شده، تنها ۱۵ تا ۱۸ درصد از مشاغل موجود، مشاغل حرفه‌ای محسوب می‌شوند. سوم اینکه بسیاری از مردان جوان به مشاغلی چون منشی‌گری یا فروشندگی، که حتی گاهی احتمال پیشرفت در آن‌ها زیاد است، علاقه‌ای ندارند. بالاخره، افراد جوان تصویری رویایی و شاعرانه از مشاغل دارند که با واقعیت سازگاری ندارد. سرانجام، حدود یک سوم از جوانان، قادر به انتخاب شغل نیستند.

*ازدواج و وصف بی‌مثالش*

در رابطه با ازدواج و نوع انتخاب شریک زندگی و غیره، در بسیاری از مقالات تبیان صحبت شده است؛ آنچه در این مقاله قصد داریم بدان اشاره نمائیم، انتخاب مسیر زندگی و فشارهای ناشی از اجبار انتخاب‌ها بعد از ازدواج می‌باشد. این نوع انتخاب بعد از انتخاب همسر، می‌تواند بسیار سرنوشت ساز و مهم باشد. برای اغلب جوانان ازدواج کرده، دوره‌ای پیش می‌آید که در آن نسبت به اجبارهای ناشی از انتخاب‌هایی که کرده‌اند حساس می‌شوند و ممکن است با نزدیکان و اطرافیان خود مشکلاتی به وجود آورند. برخی افراد جوان، پیش از آنکه به یک هویت صحیح رسیده باشند ازدواج می‌کنند. آنان امید دارند که شاید بتوانند خود را در ازدواج بازیابند. اما چنین ازدواج‌هایی به ندرت موفق خواهد بود.

دیر یا زود طرفین ازدواج، احساس می‌کنند که در اثر تعهدات خود به عنوان همسر احاطه شده‌اند. آنان به زودی شکایت می‌کنند که دیگران به آنان فرصتی برای پیشرفت نمی‌دهند. تغییر در طرف مقابل، به ندرت می‌تواند چاره‌ی کار باشد. آنچه فرد نیاز دارد، نوعی «بینش عاقلانه‌ی هدایت شده» نسبت به این واقعیت است که هیچ شخصی نمی‌تواند با دیگری زندگی صمیمانه‌ای داشته باشد مگر اینکه «خود» را پیدا کرده باشد.

توانایی در ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی؛ که مستلزم مصالحه و گذشت است، به احساس هویت شخصی فرد بستگی دارد؛ هویتی که پایه‌های آن در نوجوانی شکل گرفته است.

جوانانی که از هویتی قوی برخوردارند، آماده‌اند که هویت خود را با فرد دیگری سهیم شوند. آن دسته از جوانانی که قابلیت ایجاد پیوندهای سالم را دارند، در حل و فصل بحران‌های گذشته‌ی خود، موفقیت بیشتری داشته‌اند. حتی رابطه‌ی جنسی سالم در روابط زناشویی، زمانی امکان‌پذیر است که فرد به هویتی مطلوب دست یافته باشد.

«« ادامه در صفحه بعد

## ادامه صفحه قبل...

قدم نور رسیده...

تشکیل خانواده‌ای کامل و بی‌نقص باشند، و از این لحاظ بیش از حد آرمانی فکر کنند، به احتمال قوی با تجارب مآبوس‌کننده‌ای مواجه خواهند شد. اگر چه سازگاری با تولد هر فرزند دشوار است، ولی با گذشت زمان، از شدت این مشکل کاسته می‌شود.

یکی از تجارب مهم و تعیین‌کننده‌ی زندگی، داشتن فرزند است. برای اکثر مردم، تولد نوزاد جدید تجربه‌ای بسیار لذت‌بخش و خوشنودکننده است. کسانی که صاحب اولاد شده‌اند به خوبی از اهمیت این تجربه آگاهند. کنار آمدن با چنین تجربه‌ای نیاز به «سازگاری و انطباق» دارد. از نظر برخی روان‌شناسان، هیچ تجربه‌ای در زندگی تا این اندازه بر رشد و تحول شخصیت تأثیر نمی‌گذارد. زنان و مردان جوان به دلایل مختلف خواهان داشتن اولاد هستند. گاهی تولد فرزند به عنوان ادامه‌ی حیات و بقای نسل، و در مواردی به مثابه نوعی کامروایی شخصی تلقی می‌شود. در موارد دیگر نیز فرزند از جانب والدین به عنوان یار آینده‌ی آن‌ها، و نوعی تأمین امنیت قلمداد می‌شود. از طرف دیگر، بعضی از والدین، صرفاً به دلیل انتظارات اجتماعی بچه‌دار می‌شوند!!! همان‌طور که تصمیم به ازدواج ممکن است دلایل غیرمنطقی داشته باشد، تمایل به داشتن فرزند نیز ممکن است انگیزه‌های نادرستی را در بر داشته باشد.

برخی از بررسی‌ها نشان می‌دهد که داشتن فرزند، لزوماً روابط زن و شوهر را بهبود نمی‌بخشد، داشتن امکانات، تنها شرط کافی برای صاحب فرزند شدن نیست. ورود یک طفل جدید، لزوماً زندگی زن و شوهر را از حالت کسل‌کننده بیرون نمی‌آورد.

به هر حال، سازگاری با تولد فرزند، مستلزم انطباقی جدید است که چندان کار ساده‌ای نیست. اگر جوانان در پی

## منورالفکران ضد ملی

از صدر مشروطه تا کنون، غرب در صورت منورالفکری برای ایرانیان ظاهر شده‌است؛ جریانی که تحول را از مبنا و مبدأ مدرنیته تفسیر می‌کند و سنت و شرق و دین، باید برای توسعه، پیش‌پای آن ذبح شوند. ایده امنیتی-نظامی این جریان به دست‌یابی به تحت‌الحمایگی غرب بوده‌است؛ روزی فرانسه، روزی پرتغال، روزی روسیه و روزی انگلیس. همین باور نادرست بوده‌است که کشور را تا مرز مستعمره شدن پیش‌برده و البته به سبب استقامت جریان انتقادی بومی، در پروژه وابستگی دائمی-کامل ناتمام بوده‌است. آخرین صورت این وابستگی، در وادادگی نسبت به توان دفاعی کشور است. به سخنان و راهبردهای چندساله اخیر این جریان بنگرید؛ ایده اصلی آن‌ها رها کردن منطقه به حال خود بوده است و بطلان و شکست این سیاست امروزه عیان شده. اصرار بر کاهش توان موشکی، چه نتیجه‌ای جز تخریب اقتدار و امنیت ملی دارد؟ این تداوم سیاست تاریخی غرب با عاملیت جریان منورالفکر برای تبدیل کشور به یک مستعمره جدید است؛ راه این استعمار نوین از سیر تحقق تحریم‌های جدید با استفاده از مکانیزم برجام است. آمریکا می‌خواهد برجام را به منطقه و توان دفاعی گسترش دهد و منورالفکران هم دقیقاً همین پروژه را به اجرا گذاشته‌اند، که حتماً در آن ناکام خواهند ماند.

آرشیو کامل نشریات دانشجوئی

آرشیو پروژ نشریات دانشجوئی

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

اسناد و آئین‌نامه‌ها • دستورالعمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

نحوه ثبت آرشیو نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه اعلان های خانه نشریات

شعبه نشریات دانشگاه فردوسی مشهد